بررسی مؤلفه های آسایش بصری و نقش آن در طراحی منظر شهری (با تاکید بر محله امامزاده ابراهیم آمل)

آناهیتا قاسمی [1*]، وحید جودی [2]

۱-دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد واحد آیت الله آملی، Anahitaghasemi.2268@gmail.com

۲-دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد واحد آیت الله آملی، Vahid.Joudi_Architect@yahoo.com

⋮

چکیده

در عصر حاضر آسایش بصری از مولفه های مهم و اساسی محیط های انسان ساخت بویژه در فضاهای شهری به شمار می رود و همان طور که محیط داخلی زندگی انسان (خانه) بایستی از زیبایی برخوردار باشد محیط بیرونی (شهر) نیز باید زیبا و دارای کیفیت بصری مناسب باشد. بنابراین اهمیت بررسی موضوع آسایش بصری و نقش کیفیت های محیطی در ارتقاء و بهبود منظر شهری آشکار می گردد. به عبارت دیگر می توانیم مناسب سازی محیطی را به فراهم ساختن مجموع شرایط آسایش حرکتی، آسایش شنیداری، آسایش بصری، آسایش اقلیمی، آسایش اجتماعی و ... تجزیه و تعبیر نماییم. این پژوهش به ابعاد مختلف مولفه های آسایش بصری و تاثیر آن بر منظر شهری و با تاکید بر عناصری چون روشنایی، رنگ، کیفیت محیطی، بدنه، کیفیت بنا، دسترسی و ... در محله ی امامزاده ابراهیم پرداخته است. روش تحقیق در این پژوهش از نوع تحلیلی-توصیفی می باشد. گردآوری اطلاعات پژوهش به صورت کتابخانه ای و میدانی بوده است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می دهد که ارتقاء سطح مولفه های آسایش بصری تاثیر متقابل و دوسویه ای را بر منظر شهری و انسان گذاشته و کاهش این مولفه ها منجر به آشفتگی، ناهمگونی و اغتشاشات بصری محیط می شود.

واژه های کلیدی: فضاهای شهری ، منظر شهری ، آلودگی بصری ،کیفیت محیط

۱- مقدمه

آسایش بصری از عواملی است که در ایجاد منظر شهری مناسب باید به آن توجه کنیم. از مؤلفه های آسایش بصری می‌توان به رنگ، روشنایی، کیفیت محیطی و ... اشاره کرد که کاربرد نامطلوب رنگ ها و کمبود روشنایی در شهرها موجب آلودگی نمایی، رنگ، نور و ... در محیط های شهری شده که القا کننده ی بی نظمی، فشار روانی، بی تناسبی، زشتی و سیطره مادیت و کمیت بر زندگی انسان شده است. (صالحی ،۱۳۸۷: ۴) علت اینکه سیمای ما عاری از کیفیت و القاکننده‌ی آرامش و بهره برداری از فضا نیست عدم توجه برنامه ریزان و مدیران شهری بوده که هنوز برنامه جامعی برای آن تهیه نکرده اند و همچنین با گسترش بی ضابطه بسیاری از شهرها و افزایش جمعیت رفته رفته به این مهم کمتر توجه شده و همین امر موجب آشفتگی بصری و نابسامانی شهرها گردیده است.

آسایش بصری از مؤلفه های مهم و اساسی محیط های انسان ساخت امن محسوب می شود، چرا که «برای سکونت و زندگی، شهر خانه ای است، بزرگ و همان گونه که خانه باید از صفات و مزایایی برخوردار باشد تا سکونت و زندگی را مطلوب و آسایش بخش سازد، شهر نیز باید دارای کیفیات و ویژگی هایی برای تأمین آسایش، راحتی و امنیت باشد. همچنین شهر مانند خانه باید محیطی گرم و صمیمی و دلپذیر باشد تا امکان زندگی مطلوب را فراهم سازد.» (لینچ، ۱۳۷۲ ؛ ۱۷)

این مقاله با هدف بررسی تاثیر مؤلفه های آسایش بصری بر فضاهای شهری تهیه شده است. در این چارچوب فرایند پژوهش با طرح یک پرسش آغازین به شرح ذیل آغاز گردید:

«عوامل محیطی مؤثر در ارتقاء کیفیت بصری در فضاهای شهری کدامند؟»

پس از تبیین مسئله تحقیق، در مرحله دوم از روش علمی تحقیق، "مطالعات اکتشافی" نظریات و تحقیقات قبلی مورد بررسی قرار گرفته است و براین اساس، چارچوب نظری مطالعه با استفاده از نظریات مطرح تدوین شد. متعاقباً در مرحله چهارم "مدل تحلیلی تحقیق" ساخته شد. در این مدل "آسایش بصری" به عنوان یکی از مؤلفه های مؤثر در ناهنجاری رفتاری مورد توجه و استنتاج قرار گرفت که خود واجد چهار دسته شاخص می گردید:

۱- اغتشاش نمادی و خوانایی
۲- اغتشاش بصری
۳- اغتشاش رنگ (کاربرد نامطلوب رنگ ها در فضاهای شهری)
۴- اغتشاش نور (تاریکی)

بدین ترتیب در مراحل بعدی مطالعه (شامل مرحله مشاهده و مرحله تحلیل اطلاعات) روائی و اعتبار شاخص های مزبور در کنار دیگر شاخص های مطالعه در قالب مطالعه موردی (در محله ی امامزاده ابراهیم شهر آمل) مورد بررسی قرار گرفتند. در این مقاله پس از تبیین نظری موضوع در پایان نتایج کلی بررسی های ذیربط مطالعه موردی نیز ارائه می شود. بر این اساس با توجه به مقدمه و طرح مساله گفته شده سوالات و فرضیات این پژوهش به شرح زیر است:

۱-ارتباط کارکردی مولفه‌های آسایش بصری با یکدیگر چگونه است؟
۲-ارتباط بین مولفه های آسایش بصری با منظر شهری چگونه است؟

با توجه به سوالات ذکر شده فرضیات زیر تدوین می شود.

۱-ارتباط کارکردی مؤلفه های آسایش بصری با یکدیگر دوسویه و متقابل است.
۲-مؤلفه های آسایش بصری تاثیرات متفاوتی را روی منظر شهری پدیدار می سازند.

۲- پیشینه تحقیق

در مورد آسایش بصری و منظر شهری تحقیقات گسترده‌ای صورت پذیرفته است. از جمله این تحقیقات می توان به پژوهش گوردن کالن (۱۳۷۸) در کتاب گزیده منظر شهری که به فارسی نیز ترجمه شده است اشاره کرد که منظر شهری را هنر یکپاچگی بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمان ها، خیابان ها و مکان هایی است که محیط شهری را می سازد می‌داند. (کالن،۱۳۸۷)، هدا علوی طبری(۱۳۸۷) درکتاب نورپردازی در معماری منظر به روش های صحیح نورپردازی جهت افزایش امنیت و ایمنی در محیط های شهری می پردازد. (علوی طبری، ۱۳۸۷) مسعود متولی (۱۳۸۹) در مقاله ای با عنوان بررسی و سنجش کیفیت زیبایی در منظر شهری بر اساس مفهوم دیدهای متوالی با استخراج شاخص ها و عناصر کیفیت زیبایی منظر شهری در دیدهای متوالی دارآباد تهران به ارائه الگوهای برای ارتقا کیفیت منظر شهر پرداخته است.

۳- مبانی نظری پژوهش

۳-۱-مفهوم فلسفی فضا

فضا دارای معانی و مفاهیم مختلفی است، در فرهنگ انگلیسی آکسفورد دست کم ۱۹ معنی برای این واژه وجود دارد، که از جمله می توان به اینها اشاره کرد: گستره ای پیوسته که در آن اشیاء وجود دارد و حرکت می کنند، مقداری از یک منطقه که چیز خاصی آن را اشغال می کند یا برای هدف خاصی اشغال شده است و فاصله میان نقاط و اشیاء. این معانی نشانگر برخی از موارد درک مشترک از این واژه در زندگی روزمره، می باشد. همچنین تصویرگر پیچیدگی این مفهوم و اشاره‌گر به مباحثی عمیق و ریشه دار درباره فضاست (اکسفورد،۱۹۹۴). مباحث فلسفی درباره فضا در سه قرن گذشته تحت سیطره دوگانگی میان انتخاب نظریه های مطلق دربرابر نظریه های رابطه ای بوده است دکتر علی مدنی پور در کتاب طراحی شهری فضا را پدیده ای فیزیکی، زائیده فکر یا محصولی از فرآیندهای اجتماعی دیدن تعریف می کند با این حال آلبرت انشتین برداشت دیگری را مطرح می کند: فضا به عنوان کیفیت جایگاهی جهان اشیاء مادی، دربرابر فضا به عنوان دربرگیرنده تمام اشیاء مادی (به نقل از علی مدنی پور، ۱۳۸۰). جدول یک مفاهیم مختلف فضا را از دیدگاه دانشمندان مختلف نشان می دهد.

جدول ۱: مفهوم فضای شهری از دیدگاه دانشمندان

تفکر و اندیشه	سال	مفهوم فضای شهری
زوکر	به نقل از توسلی ۱۳۷۱	فضایی که ارتباطات ویژه حرکتی و بصری داشته و نظم و آراسته و استوار بر قواعد معین و روشن
توسلی و بنیادی	۱۳۷۱	فضای دارای ارزش را فضای شهری می داند
بحرینی	۱۳۷۷	فعالیتهای عمومی در آن به وقوع می پیوند مثل: خیابان، میادین و ...
برونوزوی	به نقل از مدنی پور ۱۳۸۰	فضا های خالی که محدود شده اند.
مدنی پور	۱۳۸۴	فرآیند اجتماعی - مکانی که تمام ساختمان ها، اشیاء و فضای محیطی و ...
پاکزاد	۱۳۸۴	ایجاد آرامش، سرگرمی، محل کردش
پاکزاد	۱۳۸۴	محل برقراری تعاملات اجتماعی که باز و عمومی است
کولکوهن	به نقل از مدنی پور ۱۳۸۴	فضای شهری فضای اجتماعی و ساخته شده و تداعی کننده ی نهادهای اجتماعی
حبیبی و مقصودی	۱۳۸۶	مکان اصلی وقایع و حوادث
توسلی و بنیادی	به نقل از نژاد ستاری ۱۳۸۸	فضایی که بر اساس قواعد زیبایی شناختی شکل گرفته باشد.

لینچ، کار، کریر	به نقل از طغیانی ۱۳۸۸	محلی که داستان جمعی در آن رخ می دهد یا وضوح ویژگی هندسی و کیفیت زیبایی شناختی
جیکوبز	۱۹۶۱	موجب گسترش حس اعتماد و اطمینان است که بر امنیت می افزاید
مامفورد	۱۹۶۱	فضای شهری موجب آرامش، نظم، همیاری و تعاون و تقویت عواطف و زیبایی برای رشد نیروها و چهره انسانی بخشیدن به فرهنگ و تمدن
شوای	۱۹۶۹	موجب تسهیل روابط اجتماعی و پالایش ساخت اجتماعی
بیکن	۱۹۷۵	تلطیف عواطف مشترک جمعی - واجد کیفیت انسانی و عواطفی است
راپوپورت	۱۹۷۷	تسهیل فرآیند اجتماعی در افراد و عرصه هنجارها و موازین اجتماعی

منبع: سنجش مولفه‌های آسایش بصری در منظر شهری (اسماعیل دویران)،۱۳۹

۳-۲-منظر شهری

منظر شهر به عنوان مجموعه ای از عناصر طبیعی و مصنوع اعم از کالبد و فضاهای شهر، انسان ها، رفتارها، فعالیت های آنها و ... به عنوان نخستین جلوه از شهر، آینه تمام نمای ویژگی های تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و طبیعی شهر قلمداد می کنند (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۱۰۱). کالن درکتاب گزیده منظر شهری منظر را ایجاد خیابان های مستقیم با ساختمان هایی درفرم و نوع هماهنگی آنها می داند. سایمون بل به نقل از نقی زاده منظر را بخشی از محیط دانسته که می تواند در یک زمان خاص به آن توجه کرد و با بسترش در محیط ارتباط داد.

در کل می توان منظر شهری را به عنوان مقوله ای مطرح در کیفیت و مطلوبیت شهرها دانست که واقعیتی عینی بوده و حاصل مشاهده و درک مظاهر گوناگون و ملموس شهر اعم از بناها، فضاها، فعالیت ها، صداها، بوم ها و هنگام مواجهه شهروند با پدیده شهر (در مقیاس های مختلف، اعم از دیدن شهر از دور دست یا هنگام قرار گرفتن در شهر و یا حتی هنگام استقرار در بناها) است. منظر شهری صرفاً دربردارنده نمای ساختمان ها و عناصر قابل رویت نیست، بلکه صداها، بوم ها، انواع عناصر طبیعی و مصنوع، خواه ثابت و خواه متحرک را دربرگرفته و در کل شامل تمام آن چیزهایی است که توسط حواس انسان، هنگام حضور در شهر قابل درک است و تمام این عوامل با هم در کیفیت منظر شهری موثر هستند به عنوان مثال وجود ساختمان هایی با نماهای با کیفیت در حالی که در فضاهای شهر با انواع آشفتگی های رفتاری و فعالیتی مواجه هستیم، نمی تواند موجب منظر شهری مطلوبی برای شهر باشد. منظر شهر درمقیاس ها و سطوح مختلف قابل رویت و درک است، در هر کدام از این سطوح عناصر متفاوت و خاصی در تشکیل منظر شهری موثر هستند. اکثر شهرهای ایران به علت استفاده از مصالح محلی در ساخت بناها از رنگی ثابت و مشخص، بیانگر ویژگی های طبیعی آن سرزمین و در هماهنگی با آن برخوردار بوده اند مثل رنگ سرخ ابیانه که نمونه ای از بستر طبیعی یک مجتمع زیستی در منظر کلان آن است. اما منظر شهر هنگامی که ناظر در درون بافت شهر قرار می گیرد نیز مطرح است. در این حالت ویژگی بصری و عناصر متفاوت منظر شهر اعم از کالبد، انسان ها و فعالیت ها از فاصله نزدیک تر و در مقیاس بخشی از شهر قابل مشاهده ادراک هستند معابر، عناصر تشکیل دهنده آن از جمله نمای ساختمان ها، ارتفاع بدنه ها، فعالیت های جاری در آن، وسایل نقلیه، رفتارها و تراکم جمعیتی انسان های در حال عبور یا انجام فعالیت، درختان، انواع فضاهای شاخص شهری، تقاطع ها، محورهای دید به سمت عناصر شاخص طبیعی و مصنوع و ... اجزاء اصلی منظر شهر در مقیاس میانی هستند منظر شهر در مقیاس خردتر نیز می تواند مطرح باشد در قالب عناصری نظیر اجزاء تشکیل‌دهنده نمای ساختمان، جنس، رنگ و بافت مصالح، سایه روشن‌های بدنه ها، پنجره ها، اجزای تشکیل دهنده کف در پیاده روها، باغچه ها، مبلمان و تجهیزات شهری نظیر تیرهای چراغ برق، کیوسک های تلفن، سطل های زباله، نیمکت ها و ... در معماری دوره تاریخی ایران جزییات فضاها و نماها از جایگاهی خاص برخوردار بوده و در کمال دقت، طراحی و اجرا می شده است به عنوان مثال اهمیت به کنج ها و گوشه ها و طراحی متفاوت آنها با سایر بخش های نما که نقشی مهم در ارتقاء کیفیت منظر فضاهای عمومی شهر دارد. اما منظر شهری در مقیاس های گوناگون خود، آن گونه که بیان شد، به عنوان نتیجه ای از تاثیر متقابل عوامل شکل دهنده شهر و جامعه شهری در زمینه های گوناگون فرهنگی، اجتماعی،

اقتصادی و طبیعی، به عنوان جلوه ای از شهر که همواره در برابر شهروندان قرار دارد در روحیات و رفتارهای آنان در محیط شهری و کیفیت زندگی آنان تاثیر قابل ملاحظه ای بر جای می گذارد.

۳-۳-مفهوم کیفیت

معنای لغوی واژه کیفیت در فرهنگ زبان فارسی عمید، "چگونگی، چونی، صفت و حالت چیزی" عنوان گردیده است. (عمید،۱۳۶۳ :۱۰۲۷) واژه فارسی کیفیت به لحاظ ریشه شناسی واژه از واژه عربی کیفیه، که اسم است، مشتق شده است. از نظر لغوی واژه کیفیت در زبان انگلیسی به ماهیت نوع، یا خصوصیت یک شیء اشاره می کند. این واژه از لغت های لاتین کوآلیتاس و کوآلیتاتیس به معنی از یک نوع و از واژه فرانسوی کالیته مشتق شده است. می توان کیفیت یک شیء را به این گونه تعریف نمود: مجموعه ای از خصوصیات یا صفات مشخص که باعث متمایز کردن یک شیء از اشیاء دیگر شده، ما را قادر می سازد که در مورد برتری، مشابهت و یا فروتری چیزی در مقایسه با چیزی دیگر قضاوت و حکم نماییم، و از نظر زیباشناختی در مورد زیبا یا زشت بودن، خوب یا بد بودن و از نظر عملکردی در مورد بهتر یا بدتر بودن و کارآمد یا ناکارآمد بودن آن قضاوت و حکم نماییم. رابطه متقابل و تأثیر کیفیت طراحی شهری بر کیفیت زندگی ساکنین شهرها توسط کوین لنیچ مورد تأکید واقع شده است. وی می گوید: اگر بناست طراحی شهری مفید واقع گردد باید قادر باشد تا از راه اعتلاء کیفیت محیط کالبدی به اعتلاء کیفیت زندگی انسان یاری نماید. (گلکار،۱۳۷۸: ۴۳) حال، پس از طرح مقدمات فوق، می توان نظریات سه گانه موجود در زمینه حالت وجودی کیفیت طراحی شهری را به شرح زیر معرفی نمود:

الف- تلقی کیفیت طراحی شهری به مثابه کیفیت و صفتی که ذات محیط کالبدی بوده و به شکل مستقل از ناظر وجود دارد. (جبریت محیطی)

ب- تلقی کیفیت طراحی شهری به مثابه مقوله ای کاملاً ذهنی و سلیقه ای که توسط ناظر ساخته شده و هیچ گونه ربطی با ساختار و خصوصیات محیط کالبدی ندارد. (امکان‌گرایی محیطی)

ج- تلقی کیفیت طراحی شهری به مثابه "پدیدار" یا "رویدادی که در جریان داد و ستدی میان خصوصیات کالبدی و محسوس محیط از یک سو و الگوها و رمزهای فرهنگی و توانایی‌های ذهنی فرد ناظر از سوی دیگر، شکل می‌گیرد.(همان،۱۳۸۰)

اپیلارد و لنگ براساس مدل کاری خود که به مدل اپیلارد و لنگ معروف است با تقسیم ابعاد طراحی کیفیت محیطی به حالات ادارک انسانی و نیاز انسانی به شرح ادارک محیطی، ادارک استنباطی و ادراک عاطفی پرداخته و با توجه به نیازهای فیزیولوژیک، حس تعلق، نیازهای حسی و... ابعاد مختلف مداخله در محیطی را پیشنهاد می نمایند. این مدل با توجه به نوع ادارک انسانی و همچنین ابعاد نیازهای انسانی منطبق با ادارک انسانی شیوه و کیفیت طراحی متناظر با آن را پیشنهاد می نمایند. جدول ۲ مدل اپیلارد و لنگ را به طور خلاصه تشریح می کند.

جدول ۲: مؤلفه های کیفیت طراحی شهری براساس مدل "اپلیارد" و مدل "لنگ"

مدل اپلیارد (حالات ادراک انسانی)	مدل لنگ (نیازهای انسانی)	کیفیت‌های طراحی مداخله کننده
ادراک عملیاتی	فیزیولوژیک	مسکن، تسهیلات و تجهیزات کافی آسایش (دما، آفتاب، باران، تنظیم اقلیم خرد، ...) استحکام و تعادل مبتنی بر بوم شناسی
	ایمنی و امنیت (مصون ماندن از خطر، آلودگی، محرمیت و اشراف)	ایمنی معابر

		نظارت و مراقبت (امنیت) محرمیت (عرصه‌های خصوصی) نفوذپذیری و انعطاف‌پذیری
ادراک استنباطی	وابستگی (حس تعلق به جمع و گروه)	تسهیلات اجتماعی (مراودات محله‌ای) حس مکان، هویت خوانایی، تناسب بصری
	عزت و اعتماد به نفس (شناسایی شدن)	مالکیت فردیت، تعلق به مکان و گروه داشتن
	تحقق خویشتن (خلاقیت)	فرصت‌هایی بریا شخصی سازی فضا و مشارکت در طراحی تنوع
ادراک واکنشی- عاطفی	شناختی- زیباشناختی (تحریک عقلی و حسی)	امکان فعالیت‌های فرهنگی – تفریحی منظر شهری و منظر طبیعی خوب غنی

ماخذ: گلکار، ۱۳۸۰

۳-۴-آسایش بصری

آسایش بصری را می توان برای مکان هایی توصیف نمود که این مکان ها به علت کمیت و کیفیت مطلوب اطلاعات و شرایطی که ارائه می دهند به نحو سالم تر، ایمن تر و مطلوب تری مورد استفاده واقع شده و نظارت های رسمی و یا اجتماعی بالاتری را نیز از این حیث همراه دارند. (صالحی،۱۳۸۶: ۳) آسایش بصری از مؤلفه های مهم و اساسی محیط های انسان ساخت امن محسوب می شود چرا که برای سکونت و زندگی، شهر خانه ای است، بزرگ، همان گونه که خانه بایستی از صفات و مزایایی برخوردار باشد تا سکونت و زندگی را مطلوب و آسایش بخش سازد شهر نیز باید دارای کیفیات و ویژگی هایی برای تامین آسایش، راحتی و امنیت باشد همچنین شهر مانند خانه باید محیطی گرم و صمیمی و دلپذیر باشد تا امکان زندگی مطلوب را فراهم سازد. (لینچ،۱۳۷۲: ۱۷)

۳-۴-۱-اغتشاش نمادی و خوانایی

«یک شهر، تجسم کامل جوامع بر روی زمین است. این تجسم از طریق انبوهی از علایم کم و بیش خوانا برای انسان مقیم، میهمان، بومی یا غریبه محقق می شود. این علائم با درجات گوناگون مفاهیمی دربر دارند که روابط میان انسان و سرزمین او را عینیت می بخشند. آن ها در چارچوب نظام واحدی از رفتار جمعی افراد در یک محیط برحسب مورد، دارای نوعی نقش

نمادین از تاریخ، اطلاعات و راهنمایی یا مقررات و یا نشانه ای از مجموع دو یا چند نوع از این اطلاعات هستند.» (پیرموره و همکاران؛۱۳۷۳:۲۶۹)

«اساساً استفاده از فضای شهری به زمینه اطلاعاتی و داده هایی مرتبط است که توسط نمادها در فضاهای محاط کننده ارائه می شود و این که به چه میزان اطلاعات می تواند توسط عابرین پیاده دریافت شود، علائم بصری (و حتی صوتی) که محتوای داده های محیط را منتقل می کنند را بهینه سازی می کنند. فضاهای شهری موفق همچنین اطلاعات ملموسی از شرایط مکانی و محلی که به طور معمول برای نشستن، ایستادن و ... پیش بینی شده است را نیز ارائه می دهند و مجموعه اطلاعات و داده هایی که کلاً مکان یابی، مسیریابی افراد و گروه ها را تعیین می کنند.» (Salingaros, 1999: 12)

گسترش پیچیدگی ها در محیط های انسان ساخت به ویژه در شهرهای بزرگ، نیاز به علائم را نیز افزایش داده است. این علائم، به دلیل تعداد بی شمارشان، به سرعت از قلمرو و رمز و نماد خارج شده و به نوعی زبان تبدیل شده و به صورت نوشته و حتی زبان انتزاعی برای افراد بی سواد در آمدند. دو عنصر "مفهوم" و "درک آن مفهوم"، برای ایجاد یک علامت لازم است. در محیط شهری، این دو عنصر با دو مرحله از فرایند شناخت انسانی که عبارتند از: شناخت انسان از عنصر و محیط پیرامون آن ارتباط دارند.

ظرفیت درک انسان، حداقل از طریق حواس پنجگانه، نامحدود نیست، عنصر مورد شناخت باید در حوزهٔ ادارک آدمی قرار گیرد. ابعاد این حوزه در چارچوبی نسبتاً محدود برای هر شخص متفاوت است. در حس بینایی، این ابعاد از چند کیلومتر، برای عناصر بسیار بزرگ و تا چند متر برای اشیای کوچکی مانند تابلوهای آگهی و پوستر، متغیر خواهد. پس از درک یک علامت، آنچه به کشف رمز و در نهایت عکس العمل منجر می شود، انطباق علامت با اطلاعات قبلی موجود در حافظه شخص است. زمان این فرایند برای یک عنصر ساده تقریباً ۳ تا ۴ثانیه و برای یک علامت پیچیده و مبهم یاعلامتی که حاوی مجموعه ای از عناصر است، تقریباً چند دقیقه به طول می انجامد. (پیشین ۷۱-۲۷۰)

بنابراین آلودگی نمادی عبارتست از هرگونه خللی که در هر یک از دو عنصر مفهوم و درک آن مفهوم پیش آید. به عنوان مثال، وجود اطلاعات مبهم، غیرقابل درک و یا نامربوط با مکان و ... نوعی آلودگی نمادی محسوب می شود. همچنین وجود شمار زیادی اطلاعات در یک جا ممکن است به معنی از بین رفتن آن اطلاعات تفسیر شود. مکانیزم های تشخیص این نوع آلودگی به تعبیر جیمز جیبسون در کتاب "درک جهان بصری" به بافت عنصر، بعد، پرسپکتیو خطی، حرکت، سرعت جابجایی ناظر، سایه و روشنی محیط و ... بستگی دارد.

۳-۴-۲-اغتشاش بصری نماها، حجم ها و عناصر

تماشای محیط انسان ساخت، هر چقدر که مناظر آن معمولی باشد، دلپذیر خواهد بود. «شهر نیز مانند یک بنای نفیس معماری، ساختمانی است که در فضا قد برمی افرازد، با این تفاوت که مقیاسی بزرگتر دارد و تنها با گذشت زمان شکل و سیمای نهایی خود را می یابد. از این رو می توان گفت که طرح شهر فی المثل مانند موسیقی، هنری است که به زمان بستگی دارد، اما بر خلاف موسیقی نمی توان در طرح شهر زمان را تنظیم کرد یا بر فواصل آن حدی متصور داشت. تسلسل زمانی که در طی آن شهر نشو و نما می یابد، تحت شرایط گوناگون و برای مردم مختلف ممکن است دگرگون شود، قطع گردد، از میان برود و یا به اصطلاح میان بر شود.

«شکل شهر که رکن اساسی طراحی شهری به حساب می آید در حقیقت ظرفی است که امکان می دهد، فعالیت های شهری در آن بوقوع بپیوندد. از نظر برخی از صاحب نظران، شکل شهر مورفولوژی شهر است. به این معنی که شکل شهر دربرگیرنده بافت فیزیکی، عملکردهای اداری و صنعتی و مجموع ساختمان هایی است که معرف فضایی پدیده های شهری هستند. اگر اصطلاح "فولی" را در این مورد بکار بریم، شکل شهر همان جنبه های کالبدی محیط خواهد بود که خود ممکن است فضایی (spatial و یا غیرفضایی (A spatial) باشد.

در این رابطه لینچ اصطلاح "فضای تطبیق داده شده"(Adapted space)می نامد که از نظر کالبدی فعالیت ها را در خود جای می دهند. (بحرینی، ۵۷:۱۳۷۷) گوردن کالن این موضوع را با مطرح ساختن "هنر تناسبات"(Art of relationship)در محیط های انسان ساخت مورد توجه قرار می دهد. وی عنوان می کند که؛ «تفاوت در معنی بین بزرگ بودن و افراشته بودن در اندازه تناسبات است. در حقیقت هنر تناسبات که وجود دارد، هم چنان که هنر معماری وجود دارد. دلیل وجود آن نیز به خاطر ایجاد نظم معقول بین تمام عناصری است که در تکوین محیط به کار رفته اند. ساختمان ها، درختان، طبیعت، آب، ترافیک، علائم تبلیغاتی و مانند آنها را باید به گونه ای به هم مرتبط کنیم تا این که نمایش هنری به حقیقت بپیوندد. زیرا یک شهر یک رویداد هیجان انگیز در محیط می باشد.» (کالن، ۶:۱۳۷۷)

همچنین در کتاب "محیط های پاسخده" (Responsive Environment)، به عنوان یکی از عوامل پاسخ دهندگی محیط آمده است؛ «این موضوع مهمی در شکل شهر است، زیرا قویاً بر تفسیر مردم از مکان تأثیر خواهد گذاشت. چه طراحان مایل باشند و چه نباشند مردم از جزئیات برتافته از ابنیه برای تفسیر خود نسبت به مکان وام می گیرند... همین که یک مکان بتواند به وسیله کیفیات ظاهری خویش مفاهیمی را به مردم منتقل کند که آنها را با حق انتخاب هایشان آشنا کند، آن مکان دارای تناسبات بصری است. (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲: ۸)

بنابراین با در نظر گرفتن تعاریف و نظریات فوق تصور کنید این شهر مملو از آلودکی دیداری باشد و در نتیجه روی روان آدمی تاثیر منفی گذاشته و همین طور موجب می شود تماشای شهر که لینچ آن را موجب تفریح خاطر شمرده دلچسب نباشد. البته باید به این نکته هم توجه داشت که آشفتگی محیط گاهی موجب شگفتی شده و دلپذیر است، اما باید به اندازه ای باشد که وضوح کلی محیط را از میان نبرد. (لینچ، ۱۳۷۲: ۱۱) بعضی از شاخص های آلودگی دیداری به شرح زیر می باشد:

- وجود ساختمان هایی با ظاهر و نمای کثیف و مخدوش
- میزان هماهنگی و یکپارچگی احجام ساختمانی
- نابسامانی تابلوها و همین طور وجود تابلوهای کثیف و شکسته (دویران، ۱۳۹۱: ۵)

۳-۴-۳-اغتشاش رنگ در محیط های انسان ساخت

محیط اطراف بشر توسط رنگ ها احاطه شده است. به طور کلی «دنیایی اطراف از دو عنصر مهم تجسمی تشکیل شده است، این دو عنصر عبارتند از: فرم و رنگ که هر کدام لازم و ملزوم یکدیگرند تحقیقات روانشناسی محیط ثابت کرده است که نوع ترکیب رنگ های استفاده شده در محیط های انسان ساخت در وضعیت روحی مردم مؤثر می باشد. (بهادری،۴۲:۱۳۸۰)

دقیق ترین تعریف علمی رنگ این است: رنگ یک انعکاس مریی است که در اثر عبور یا انتشار یا بازتاب ترکیب رنگ ها توسط اشیا به وجود می آید. رنگ یکی از جنبه های مهم زندگی شهری است. رنگ از جمله خصوصیاتی است که در کنار شکل، ابعاد، جنسیت و بافت هر شیئی، حجم یا فضا، آن را به ما می شناساند. در بیشتر موارد اولین چیزی که بیننده در مورد یک شکل شناسایی می کند، رنگ آن است.

نقش رنگ ها در میادین شهری به لحاظ آنکه گره های و فضاهای مکث، اغلب با توزیع فضایی میادین انطباق می یابد نسبت به سایر نقاط محیط های انسان ساخت از نظر احساسی و ادراکی اثر ماندگارتری به وجود می آورد. با این شرایط، منظور از آلودگی رنگ تمام شرایط نامطلوبی است که ناشی از ادراک و احساس انسان از رنگ محیط می شود و موجب ناخشنودی او شده و ممکن است موجب رفتارهای نامطلوب و ناهنجار او گردد. علاوه بر این ها، از آن جا که رنگ ها می توانند به فضا عمق دهند و حتی فضا را خلق کنند، بنا را قابل فهم و خوانا نمایند و حتی عملکرد آنها را نشان دهند، حس وحدت ایجاد کنند، تداوم و نظم را القاء کنند، بناهای مهم و نشانه های شهری را شاخص کنند، مسیرها، میادین و میعادگاه های معروف و خیابان ها را خوانا کنند و... حایز اهمیت هستند.

منظور از آلودگی رنگ تمام شرایط نامطلوبی است که ناشی از ادراک و احساس انسان از رنگ محیط می شود و موجب ناخشنودی او شده و ممکن است موجب رفتار های نامطلوب و ناهنجار او گردد. بطور کلی سیمای رنگی یک شهر را می توان در عناصر زیر خلاصه نمود:

- بدنه و نمای ساختمان های مسکونی، تجاری، اداری و پوشش بام و نقاشی های دیواری
- رنگ مبلمان شهری و کف سازی ها
- نوآرایی معابر، فضاهای سبز، آبنماها و نشانه های شهری در شب (دویران، ۱۳۹۱: ۶)

۳-۴-۴-اغتشاش نور و تاریکی

هر چند که شدت زیاد نور و نیز نور کنترل نشده در برخی از مکان ها به ویژه اتاق های خواب و آسایشگاه ها خود آلودگی (عدم سازگاری نور با عملکرد فضا) محسوب می شود ولی در فضاهای شهری و عمومی فقدان روشنایی محیطی را نیز آلودگی می شماریم. مهم ترین ویژگی شرایط جرم خیزی در زمان شب، تاریکی است که بر شهر حاکم می شود و فرصت مناسبی را برای افراد بزهکار فراهم می سازد که در پوشش تاریکی با اطمینان از پایین بودن امکان دیده شدن نسبت به اعمال بزهکارانه و رفتارهای آنومیک خود اقدام نمایند. علاوه بر این اهمیت نور در محیط های انسان ساخت حتی بر کیفیت معماری نیز متاثر است.

به همین لحاظ، «موضوع روشنایی شهر در برخی از مقررات مربوط انتظامی جوامع نیز ذکر می شود. در واقع هدف از روشنایی شهر، عبارت است از تأمین امنیت عمومی، ایمنی و رفاه در گذرگاه ها، خیابان ها، میدان ها، ایستگاه ها و راه های همگانی. پلیس شهر تنها در قبال تأمین ایمنی مسیرهای عبور و مرور همگانی و راه های خصوصیی که برای تردد در اختیار عموم قرار گرفته، مسؤول شناخته می شود. اغلب چگونگی کنترل و تأمین روشنایی سایر فضاها و راه های خصوصی در مقررات رسمی مشخص نشده است ...» پیرموره و همکاران، ۲۵۷:۱۳۷۳)

بدون تردید، روشنایی، عامل اساسی در مناسب سازی محیط و همچنین تأمین رفاه و امنیت در محیط های انسان ساخت و زیبایی منظره آن در شب و روز است. بنابراین ضوابط و معیارهای فوق باید در طراحی صحیح تجهیزات روشنایی شهر در نظر گرفته شوند. متفاوت بودن میزان روشنایی بر حسب مکان، در طراحی روشنایی و نورپردازی شهر اهمیت دارد. اساساً موضوع روشنایی شهر و فضاهای شهری می بایست به صورت جامع طراحی شده و همه پارامترهای مؤثر و کارکردی روشنایی شامل امنیت اجتماعی، ایمنی عبور و مرور و نیز زیبایی و منظرسازی شبانه ملحوظ نظر قرار گیرد. بعضی از شاخص های آلودگی نور که شاخص هایی است منتخب از کمیت و کیفیت روشنایی فضاهای شهری شامل، عبارتند از:

- میزان نور در فضای اصلی در مقایسه با فضای جانبی
- قابلیت تشخیص چهره ی افراد
- کیفیت نورپردازی نشانه ها و عناصر شاخص
- کیفیت روشنایی ورودی کوچه ها و سطح معابر فرعی
- کیفیت نور در محوطه درختان و بوته ها و پارک ها (صالحی، ۱۳۸۴: ۸)

۴-محدوده ی مورد مطالعه

محله ی امامزاده ابراهیم در مرکز شهر آمل واقع شده است و از قدیمی ترین محلات شهر می باشد. این محله از سمت شمال به خیابان طبرسی و محله ی نوآباد، از سمت غرب به بلوار طالب آملی و انصاری محله و شهرک دانشجو، از سمت شرق به نیاکی محله و از جنوب به شهربانو محله و رضوانیه منتهی می گردد. نام این محله برگرفته از نام امامزاده ابراهیم است که در آن قرار دارد. این محل از یک خیابان اصلی به نام گلستان شهدا تشکیل می شود که از جنوب به شمال کشیده شده و ورودی امامزاده ابراهیم در میان این خیابان جا دارد. وجود بقعه امام زاده و نیز بازار در ورودی جنوبی این خیابان و همینطور کوچه

های فرعی متصل به آن باعث شده که این محل از شور و هیجان به خصوصی بهره مند باشد. روزانه افراد با هر سنی از مرد و زن، کوچک و بزرگ از معابر این محل گذر می کنند و از کاربری های موجود آن استفاده می کنند. عنصر شاخص شهری که از آن می توان برای شناسایی این محله کمک گرفت، میدان ۱۷ شهریور آمل می باشد که محله در قسمت شمالی این میدان و در جهت شرق بلوار طالب آملی واقع شده است. محله ی امامزاده ابراهیم به دلیل کیفیت نامطلوب سیمای بصری دچار آشفتگی هایی در بدنه، کیفیت محیطی و رنگ(نماها، دیوارها و ...) شده است که محله را از نظر سیما و منظر تحت شعاع خود قرار داده است.

عکس ۱: محدوده مورد مطالعه به همراه نمونه ای از عوامل کاهش آسایش بصری در محله

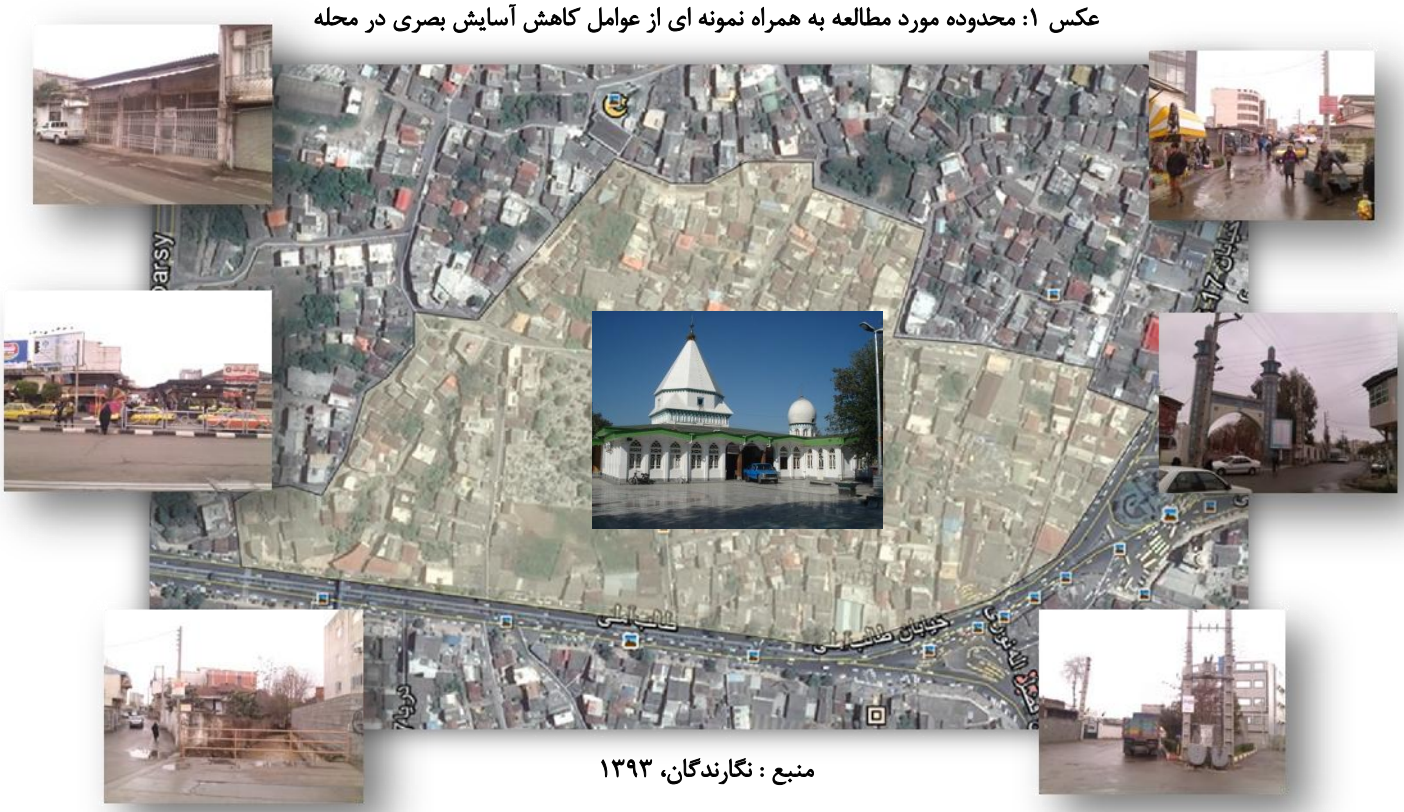

منبع : نگارندگان، ۱۳۹۳

۵-یافته ها، نتایج و آزمون فرضیات

بر طبق مطالعات حاصل از برداشت های میدانی مصالح ساختمانی استفاده شده در ساختمان ها به این صورت می باشد که ۳۷٪ ساختمان ها دارای نمای سنگی، ۲۴٪ ساختمان ها نمای آجری و ۱۸٪ ساختمان ها دارای نمای سیمانی می باشند، همچنین از لحاظ تعداد طبقات ۲۸٪ محله را ساختمان های یک طبقه، ۳۲٪ را ساختمان های دو طبقه، ۱۹٪ را ساختمان های چند طبقه و ۲۱٪ را معابر، امامزاده و ... تشکیل می دهد. همانطور که ملاحظه می شود در بررسی شاخص های کیفیت محیطی از نظر نما و کیفیت ساختمانی بیشترین کیفیت بنای موجود ساختمانی از جنس آجر بوده و از نظر نما نیز سنگ با ۳۷٪ کل نما بیشترین نمای موجود در محله است که یکی از عوامل مهم و اساسی در کاهش یا افزایش منظر و سیمای محله ی امامزاده ابراهیم است.

در راستای پاسخ دهی به سوالات مطرح شده و آزمون فرضیات نتایج حاصل از برداشت های میدانی و انجام مصاحبه نشان می دهد که نامناسب بودن کیفیت های محیطی موجب کاهش ارزش عناصر شاخص و سایر عوامل مستقر در محدوده مورد نظر شده و همچنین نامناسب بودن وضعیت کوچه ها و عرض پیاده روها و عدم وجود فضای سبز مناسب و مرکز محله برای تجمع ساکنین موجب افزایش جمعیت در گره ها شده و این در حالی است که مناسب نبودن میزان روشنایی در شب نیز

موجب کاهش آسایش بصری و احساس امنیت در محدوده ی مورد نظر گردیده است.علاوه بر موارد گفته شده عدم هماهنگی جداره های تجاری (تابلوها)، ناهمگونی نماهای مسکونی از لحاظ فرم و مصالح، تداخل کاربری های تجاری و مسکونی، دفع نامناسب آب های سطحی و کیفیت نامناسب مبلمان شهری(شیر آتش نشانی، سطل زباله و ...) و همچنین عدم توجه به اغتشاشات سیم های چراغ برق و مکان یابی نامناسب آن ها باعث کاهش پتانسیل بصری محله شده که ارتباط مستقیمی با کاهش کیفیت های محیطی (منظر) محله امامزاده ابراهیم داشته و در جهت سنجش کیفیت های محیطی تاثیرگذار بر آسایش بصری، اقدام به شاخص سازی و بررسی شاخص ها در محدوده ی مورد مطالعه شده که متغییر های کیفی محیط، که برای سنجش مولفه های آسایش بصری محله ی امامزاده ابراهیم است به شرح جدول زیر می باشد.

جدول ۳: متغیرها و معرف های استفاده شده در تحقیق

متغیر	معرف	متغییر	معرف
نمای بدنه ساختمان	سیمان، سنگ، آجر و سایر	تاسیسات (تیرها)	اغتشاشات بصری سیم ها
کیفیت محیطی	کیفیت خود عنصر، کیفیت بین عناصر، کیفیت یک عنصر با عنصر دیگر	میزان روشنایی	میزان نور در شب – میزان نور در روز
نورپردازی (مسجد)	استفاده از نورپردازی مذهبی (سبز، آبی، فیروزه)	دسترسی (تناسب و ...)	مستقیم، غیرمستقیم

منبع: نگارندگان – ۱۳۹۳

با توجه به مطالعات صورت گرفته در مورد متغیرهای مورد بررسی در محله ی امامزاده ابراهیم و با استناد به مصاحبه های انجام شده با ساکنین، تعدادی از پاسخگویان میزان روشنایی را در شب نامناسب دانسته و تعدادی نیز از کیفیت نامناسب پیاده رو ها شکایت داشتند. عده ای به کمبود فضای سبز و نبود مکانی برای تجمع اشاره کرد و نیز در میان پاسخ ها به نامناسب بودن وضعیت دفع آب های سطحی اشاره کرده اند. همه ی این عوامل، مشکلات و نیز عوامل دیگر منظر نامناسب محله را بیان می کنند.

نتایج ارزیابی داده های گردآوری شده با استفاده ازتجزیه و تحلیل آماری نشان می دهد که بین ارتباط کارکردی مؤلفه های آسایش بصری با یکدیگر جهت ارتقاء کیفیت محیطی رابطه ی معناداری وجود دارد به طوری که هر چقدر در فضاهای موجود یکی از مؤلفه های آسایش بصری مطلوب و مناسب شود برای ایجاد فضای شهری و محیطی مناسب به ارتقاء مؤلفه ی دیگر نیز بستگی دارد این در حالی است که نامناسب بودن یکی از این مؤلفه ها موجب شده تا مولفه ی دیگر که مناسب اس ادراک نشود برای مثال هر چقدر روشنایی مناسب باشد اما بدنه ها نمای مناسبی نداشته باشند ادراک منفی از محیط به ناظر خواهد داد. بر این اساس با توجه به فرضیه اول یعنی (ارتباط کارکردی مؤلفه های آسایش بصری با یکدیگر دوسویه و متقابل است) می توان گفت که با توجه به مقدار و سطوح معناداری بدست آمده در شاخص های مورد سنجش ارتباط معنا داری بین مؤلفه ها وجود دارد به طوری که ارتقاء آسایش محیطی به افزایش و ارتقاء مؤلفه ها و ارتباط بین آن ها وابسته است. از این رو فرض اول مورد تایید بوده یعنی وجود رابطه بین مولفه های آسایش بصری با یکدیگر مورد تایید قرار گرفته و اثبات می شود.

در فرضیه ی اول ثابت کردیم که بین موله ها رابطه ی معنا داری وجود دارد این در حالی است که اگر میزان روشنایی مناسب بوده اما رنگ موجود در بدنه ها مناسب نباشد موجب نامطلوب بودن محیط خواهد شد و برعکس یا در صورتی که کیفیت های محیطی در یک عنصر نباشد اما روشنایی اطراف و خود عنصر مناسب باشد عنصر مورد نظر مناسب دیده نخواهد شد و برعکس این در حالی است که این توضیحات گفته شده برای سایر عوامل بدنه، تیر چراغ برق، مبلمان شهری و ... نیز و در صورتی که یکی از عوامل مناسب نباشد مناسب نبودن متغیر دیگر به تنهایی نمی تواند موجب مطلوب شدن محیط و فضای شهری شود.

در پاسخ به سوال و فرض دوم یعنی تاثیر مولفه های آسایش بصری بر روی منظر محله ی امامزاده ابراهیم این نتیجه بدست آمد که هرچقدر مولفه هایی از قبیل (روشنایی، نورپردازی، رنگ، فضای سبز و ...) در محله مناسب و مطلوب باشد موجب ارتقاء منظر محله شده و اغتشاشات بصری را کاهش می دهد. در این راستا با وجه به سوالات پرسیده شده و برداشت های میدانی صورت گرفته در رابطه با کیفیت منظر، وجود رابطه ی معنادار در فرضیه دوم مورد تایید قرار می گیرد به طوری که هرچقدر مولفه های آسایش بصری مطلوب تر شوند موجب ارتقاء منظر محله امامزاده خواهند شد با این توضیحات در آزمون فرضیه دوم یعنی (مولفه های آسایش بصری تاثیرات متفاوتی را روی منظر شهری محله امامزاده پدیدار می سازد.) میتوان گفت که با توجه به سطح معناداری بدست آمده در شاخص های مورد سنجش فرضیه دوم وجود ارتباط و تاثیرگذاری و تاثیرپذیری آن ها مورد تایید قرار گرفت و اثبات می شود.

جمع بندی و نتیجه گیری

برای دست یابی به آسایش بصری و ارتقاء کیفیت در طراحی منظر شهری مؤلفه های زیادی تاثیرگذار هستند. از جمله مواردی که می توان به آنها اشاره کرد عبارتند از رفع آلودگی های (نمادی، دیداری، نور و رنگ)، توجه به کیفیت‌های بصری منظر از قبیل منظر طبیعی و منظر مصنوع و توجه به میزان نور و روشنایی بافت های شهری به ویژه در هنگام شب، نمای بصری و رنگ و جنس مصالح استفاده شده درسیمای بصری بناها و ساختمان های شهری،کیفیت دسترسی به فضاهای شهری و شبکه عبور ومرور، توجه به تاسیسات شهری، کیفیت های محیطی، توجه به مبلمان شهری و ... ازجمله عواملی هستندکه نقش بسزایی درارتقاء آسایش بصری خواهند داشت. همچنین احترام به فرهنگ و معماری بومی نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است که باید برای آنها ضوابط روشنی تدوین گردد. البته علاوه بر این موارد، دستیابی به آسایش بصری، مستلزم برنامه منسجم و همت مسئولین امر و همکاری مردم می‌باشد. با چنین اقداماتی می‌توان از آلودگی ها و نابسامانی های بصری کاست و محیط شهری و آسایش بصری را که در آرامش روان شهروندان نیز مؤثر است را فراهم آورد.

این در حالی است که محله امام زاده ابراهیم شهر آمل بعنوان یکی از بافت های فرسوده و قدیمی شهر آمل از نظر کیفیت محیطی و عناصر مورد سنجش در آن در وضعیت مناسبی قرار نداشته و همین امر موجب عامل کاهش آسایش بصری و کیفیت های محیطی در آن شده است. در راستای ارتقاء سطح کیفیت منظر توجه به مولفه های آسایش بصری در محله ی مورد مطالعه می توان پیشنهادات و راهکار های زیر را ارائه داد:

۱-راهکار برای گره ها :

در محله امام زاده ابراهیم ۳ گره شاخص وجود دارد که باید نسبت به گره های داخل محل و یا مرتبط با خارج از حوزه شاخص تر باشند . اولین گره مربوط به ورودی امام زاده از خیابان طالب آملی است و دومین مربوط به ورودی این بقعه از داخل محل می باشد که در حال حاضر این شاخص بودن اصلاً وجود ندارد. سومین گره هم ورودی شمالی محله در ابتدای کوچه گلستان شهدا است.

برای خوانایی گره (ورودی بقعه امام زاده ابراهیم از خیابان اصلی طالب آملی) میتوان در وسط کوچه درختچه هایی را به طور ردیفی تا نزدیکی ورودی به بقعه در نظر گرفت که در کنار شان نیمکت هایی برای استراحت زائرین باشد و نیز میتوان در ابتدای کوچه یک نشانه و المان هماهنگ با کاربری موجود در نظر گرفت تا به عنوان راهنما و دعوت کننده به بقعه و محله باشد. جداره کناری محوطه امام زاده نیز تعریفی برای عبور پیاده ندارد که میتوان با تغییر متریال و مرتفع کردن پیاده رو و نیز تعبیه ی نیمکت هایی برای نشستن این وضعیت را بهبود بخشید

در بازارچه محله راه پیاده و سواره و نیز نشانه برای شاخص شدن بازارچه وجود ندارد .اولاً به دلیل تردد زیاد باید سقف این بازارچه مسقف شود و نیز کف این معبر باید سنگ فرش شود تا کیفیت و تغییر کاربری در این فضا و معبر احساس شود و نیز

سردری به عنوان معرفی این بازارچه در تقاطع با خیابان اصلی در نظر گرفته شود تا به راحتی برای افراد غیر بومی شناسایی گردد .

برای خوانش بهتر گره ورودی محله از شمال در عکس (گره و تقاطع محله از شمال) می توان یک سرسرا برای نشان دادن حس ورود به محله در نظر گرفت و نیز با استفاده از پوشش گیاهی جلوی تجهیزات برق و تیر برق را گرفته تا از لحاظ بصری کیفیت و زیبایی ورودی بالا رود. برای خوانش بهتر در عکس شماره (گره در ورودی بقعه در داخل محله) باید یک میدان کوچک که عنصر شاخص و المانی کم ارتفاع نظیر آبنما در میان آن باشد در نظر گرفته شود که هم ایجاد مکث کند و هم از دور نشان دهنده موقعیت معنایی آن گره باشد.

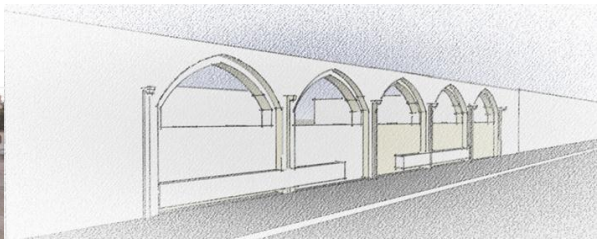

عکس ۲و۳:جداره کناری محوطه امام زاده که تعریفی برای عبور پیاده ندارد و پیشنهادی برایش که در آن برای نشستن عابرین نیمکت تعبیه شده و پیاده رو مرتفع شده است.

۲-راهکار برای نشانه ها:

در بازارچه محله راه پیاده و سواره و نیز نشانه برای شاخص شدن بازارچه وجود ندارد. اولاً به دلیل تردد زیاد باید سقف این بازارچه مسقف شود و نیز کف این معبر باید سنگ فرش شود تا کیفیت و تغییر کاربری در این فضا و معبر احساس شود و نیز سردری به عنوان معرفی این بازارچه در تقاطع با خیابان اصلی در نظر گرفته شود تا به راحتی برای افراد غیر بومی شناسایی گردد .

در بررسی های انجام شده مشخص شد که کاربری آموزشی و نیز خدماتی پخت نان در این محله کاملاً یگانه هستند میتواند به عنوان یک عنصر و نشانه عمل کنند که با تقویت متریال دیوارها و یا فرم بنای آنها می توان این عمل را انجام داد.

عکس ۴ و۵ و۶: بازارچه ورودی در جنوب محله و طرح پیشنهادی برای بازارچه نشان داده شده در عکس

۳-راهکار برای لبه ها:

در این محله شاهد وجود دو لبه می باشیم که از دو جنس مختلف هستند : رودخانه و درختچه که میتوان با تعبیه پیاده رو معلق بر روی این رود خانه کوچک و در طول آن ، باعث ایجاد تجربه حسی تازه در محله شد همینطور با تعدد درختچه ها در مناطق مختلف مرزی بین پیاده رو و ماشین رو ایجاد کرد که از لحاظ خوانش پیاده رو و ایجاد کیفیت بصری مناسب می باشد. توالی درختان در کنار پیاده روها نیز می تواند به دید و منظر کمک کند.

علاوه بر موارد ذکر شده برای ارتقاء سطح کیفی مولفه های آسایش بصری می توان پیشنهادات دیگری را نیز در غالب بهسازی بدنه ها و یکنواخت کردن آن ها از نظر مصالح و نما، عریض کردن پیاده رو ها و تعریف درست آن ها به عنوان لبه، بهسازی جداره های تجاری (تابلوها) و یکنواخت کردن آن ها، رعایت ارتفاع ساختمان ها بویژه در اطراف امامراده ابراهیم به منظور جلوگیری از اشرایت و خط آسمان، جداسازی کاربری تجاری از مسکونی، بهبود وضعیت شبکه های فاضلاب برای دفع آب های سطحی، بهبود مبلمان شهری(شیر آتش نشانی، سطل زباله، تعبیه نیمکت ها و...)، ارتقاء وضعیت فضای سبز در سطح محله و منظر سازی پارک با ایجاد گلکاری و در نهایت ایجاد مرکز محله برای تجمع ساکنین ارائه داد.

فهرست منابع

[1] Trancik, Roger (1986), “Finding lost space”, Van Nostrand Reinhold company, NewYork.

[۱] بحرینی، ح، فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵

[۲] بحرینی، ح، تجدد، فراتجدد و پس از آن در شهرسازی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷

[۳] بهادری، م، روانشناسی کارکردی رنگ ها، نشریه مدرسه نو، ۱۳۸۰

[۴] پودراتچی، م، فضاهای بدون دفاع شهری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳

[۵] پیر موره، ماری آلن، لیز سابری، فضاهای شهری طراحی، اجرا، مدیریت، مترجمان : حسین رضایی، میرمعزالدین مجابی، محسن رسولی، اداره کل روابط عمومی و بین الملل شهرداری تهران، ۱۳۷۳

[۸] ترنر، تام، شهر همچون چشم انداز، ترجمه دکتر فرشاد نوریان، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، ۱۳۷۶

[۹] حسینیون، س، کاربرد رنگ در شهر، ویژه نامه طراحی شهری، ماهنامه شهرداری ها، شماره23 ، ۱۳۸۰

[۱۰] سی صدر، ا، معماری رنگ و انسان، آثار و اندیشه، ۱۳۸۰

[۱۱] کالن، گوردون، ایده منظر شهری، ترجمه دکتر منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷

[۱۳] لینچ، کوین، سیمای شهر، ترجمه دکتر منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲

[۱۴] پاکزاد، ج؛ راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، شرکت طرح و نشر پیام سیما، ۱۳۸۵

[۱۵] پاکزاد، ج، مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، تهران، انتشارات شهیدی، ۱۳۸۵

[۱۶] دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا

[۱۷] صالحی، ا، مولفه های آسایش بصری و نقش آن در مناسب سازی محیط، ۱۳۸۶

[۱۶] صالحی، ا، آسایش بصری، نشرتهران، ۱۳۸۷

[۱۷] صالحی، ا، نقش آسایش محیطی فضاهای شهری درپیشگیری ازناهنجاریهای رفتاری، ۱۳۸۴

[۱۸] علوی طبری، ه، نورپردازی در معماری منظر، نشر تهران شهیدی، ۱۳۸۷

[۱۹] عمید، ح، فرهنگ فارسی عمید، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳

[۲۰] گلکار،ک، کندوکاو در تعریف طراحی شهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی ومعماری ایران، ۱۳۷۸

[۲۱] گلکار،ک، مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری، نشریه علمی-پژوهشی صفه، شمارهٔ ۳۲، ۱۳۸۰

[۲۲] مدنی پور، ع، تحلیل طراحی شهری، ترجمه مرتضایی، نشر تهران، ۱۳۷۹

[۲۳] متولی ،م، بررسی و سنجش کیفیت زیبایی در منظر شهری بر اساس مفهوم دیدهای متوالی (نمونه موردی مسیر گردشگری دارآباد تهران)، فصلنامه آرمانشهر، شماره۵، ۱۳۸۹